

تأثیر فارسی در شکل‌گیری اصطلاحات دینی در ترکیه

حجابی قیبرلانگیج^۱

درآمد

ورود قبایل ترک‌نژاد به دین اسلام به طور تدریجی و سال‌ها پس از قبول و رواج اسلام در بین ایرانیان به وقوع پیوسته است. تأثیر مسلمانان ایرانی در گرویدن ترک‌ها به آیین اسلام یک حقیقت انکارناپذیر است. ناگفته نماند که از دیرباز ترک‌ها در دربارهای خاندان‌های مسلمان ایرانی در خدمات نظامی استخدام می‌شده‌اند و بدین وسیله با فرهنگ ایرانی آشنایی پیدا می‌کرده‌اند. به علاوه، ایرانیان در دستگاه خلافت عباسی، که ظاهراً عنصر اصلیشان را فرهنگ عرب تشکیل می‌داد، نفوذ و تأثیر چشمگیری داشتند و می‌توان گفت که در حکومت عباسیان دیوان‌سالاری و کارهای سیاسی در دست ایرانیان بوده است و ورود ترک‌نژادان به دایره وسیع فرهنگ مشترک اسلامی، بیشتر در اوایل حکومت عباسیان تحقق یافته است. ترک‌ها، که بیشتر به عنوان قبایل کوچ‌نشین به سر می‌بردند و طبیعتاً با فرهنگ شهرنشینی چندان آشنا نبودند و در کارهای جنگی مهارت بیشتری داشتند، وقتی به داخل سرزمین‌های ایران پیش رفتند، هر چند در لشکرکشی و حکمفرمایی مهارت داشتند، ولی

در امور سیاسی و فرهنگی از تأثیر ایرانیان نتوانستند مصون بمانند. همهٔ خاندان‌های ترک‌نژاد که در ایران حکمرانی داشته، در کارهای حکومت از وزرا و سیاستمداران ایرانی استفاده کرده‌اند. از میان این خاندان‌ها غزنویان جایگاه ویژه‌ای دارند، زیرا آن‌ها با ایرانیان امتزاج پیدا کرده بودند و فکر و رفتارشان مثل ایرانیان بود و به عنوان عنصری از فرهنگ ایرانی به حساب می‌آمدند، حال آن‌که سلجوقیان نسبت به غزنویان یک عنصر خارجی بودند و از قبایل کوچ‌نشین تشکیل می‌شدند. سلجوقیان پس از مستقر شدن در ایران با فرهنگ ایرانی آشنایی پیدا کردند و خواه‌ناخواه به حاکمیت آن تن دادند. آن‌ها می‌دانستند که بقای حاکمیتشان در ایران وابسته به این پذیرش فرهنگی بود.

نفوذ ترک‌ها در آسیای صغیر پس از پیروزی آلپ ارسلان در جنگ ملازگرد بر امپراتوری روم شروع شده است. حکومت سلجوقیان آناتولی، که یکی از شعبه‌های سلجوقیان بزرگ بود، در توسعهٔ قلمرو فارسی و گسترش فرهنگ ایرانی نقش مهمی داشت. خاندان عثمانی که پس از سلجوقیان آناتولی در آسیای صغیر و در قسمتی از اروپا حاکمیت پیدا کردند، به جهتی می‌تواند وارث سلجوقیان به حساب بیاید. عثمانیان در تشییت و گسترش زبان نوشتاری ترکی غربی (ترکی استانبولی) خدمت بسزایی ایفا کرده‌اند. معلوم است که این زبان، که یکی از پیشرفته‌ترین لهجه‌های ترکی است، تحت تأثیر زبان عربی و فارسی گسترش پیدا کرده است. با این حال، در این زبان بیشتر نفوذ و تأثیر فارسی را مشاهده می‌کنیم تا عربی.

در این مقاله روند پیدایش زبان دینی در آسیای صغیر و تأثیر فرهنگ و زبان فارسی در آن را مورد بررسی قرار می‌دهیم و به وضعیت اصطلاحات دینی در زبان ترکی امروز می‌پردازیم.

شکل‌گیری مفهوم‌ها و اصطلاح‌های دینی در ترکی غربی

مفهوم‌ها و اصطلاح‌های موجود در زبان به مثابهٔ آینه‌ای هستند که در آن فرهنگ و طرز تفکر و زندگی مردمی که با آن زبان تکلم می‌کنند، منعکس می‌شود. با آن‌که ممکن است دین و آیین اقوام مختلف یکی باشد، اصطلاح دینی آن‌ها بنا به علت‌های مختلف می‌تواند از هم جدا باشد. یکی از علت‌های جدایی اصطلاح‌های دینی آن است که دین اسلام منحصر به یک قوم نیست و همهٔ فرهنگ‌هایی که مغایرت با روح اسلام ندارند، می‌توانند با رنگ و بوی خود در فضای وسیع اسلام بپراحتی زندگی خود را ادامه دهند. در نتیجهٔ این وسعت

است که هر ملتی بعضی از عناصر ملی خود را به اصطلاحات دینی خود دخیل کرده است. ترکی نیز از این قاعده برکنار نیست. بنابراین در جغرافیای اسلام، با آن که مفهوم‌ها و اصطلاح‌های اصلی غالباً تغییر پیدا نمی‌کنند، ولی وقتی داخل جزئیات می‌شویم، می‌بینیم که هر قوم و ملتی مجموعه‌ای مخصوص به خود از مفهوم‌ها و اصطلاح‌ها را به وجود آورده است. از این رو طبیعی است که بعضی از مفهوم‌ها و اصطلاحاتی را که در عربی رایج است در زبان‌های اقوام مسلمان غیرعرب و از جمله در فارسی و ترکی ببینیم.

اقوام غیرعرب، وقتی به اسلام گرویدند، در مقابل اصطلاح‌های دینی رفتارهای گوناگونی از خود نشان دادند. گاهی اصطلاح عربی را بدون کوچک‌ترین تغییر به زبان خود گرفته و عیناً استعمال کرده‌اند و گاهی نیز برای بعضی از اصطلاح‌ها واژه‌ای از زبان خود یافته و جایگزین آن کرده‌اند.

زبان فارسی را براحتی می‌توان در احداث جایگزین برای اصطلاح‌های دینی عربی موفقیت‌ترین زبان دانست. ایرانیان نه تنها اصطلاح‌های دینی را فارسی کردند، بلکه خود علمای ایرانی هستند که در زمینه علوم دینی آثاری به زبان عربی نوشته و بعضی از اصطلاح‌های دینی و خودشان را پرورش داده‌اند. و اما ترک‌ها در این زمینه از ایرانیان پیروی کرده‌اند و اصطلاح‌هایی را که ایرانیان به کار می‌بردند، عیناً اقتباس و از آن استفاده کرده‌اند. خیلی کم است مفهوم و اصطلاحی که در زبان ترکی برای آن جایگزین ترکی به کار گرفته شده باشد. البته در سده‌های هفتم و هشتم هجری در ترجمه‌های قرآنی که به ترکی شده‌اند، کوششی در راه پیدا کردن واژه‌های ترکی برای مفهوم‌های دینی به چشم می‌خورد، ولی این کوشش ادامه پیدا نکرد و ترک‌ها ترجیح دادند از ایرانیان پیروی کنند و بعضی از اصطلاح‌های عربی را عیناً به زبان خود وارد کنند و به جای بعضی‌هایشان نیز از واژه‌های فارسی استفاده کنند.

مفهوم‌ها و اصطلاح‌های دینی رایج در ترکی استانبولی

مفهوم‌ها و اصطلاح‌های دینی رایج در ترکی استانبولی را از لحاظ ریشه زبانی می‌توان به هفت رده تقسیم کرد. اکثر واژه‌های دینی موجود در ترکی عربی‌الاصل هستند. ولی این واژه‌ها به طور مستقیم از زبان عربی به زبان ترکی نیامده، بلکه از راه زبان فارسی داخل زبان ترکی شده‌اند. برای تأیید این مدعا دلایل زیادی وجود دارد. مثلاً تک‌واژه‌های عربی که در ترکی وجود دارند، در فارسی نیز به همان شکل و معنا مستعمل هستند و کلمه‌های مرکبی که

از دو کلمه عربی تشکیل شده‌اند، ترکیب‌هایی هستند که بنا به قاعده‌های دستور زبان فارسی ترکیب شده‌اند.

این هفت گروه عبارت‌اند از:

۱. مفهوم‌ها و اصطلاح‌های بسیط عربی.
۲. مفهوم‌ها و اصطلاح‌های مرکب عربی که بنا به قواعد دستور عربی ترکیب شده‌اند.
۳. مفهوم و اصطلاح‌های مرکب عربی که بنا به قواعد دستور فارسی ترکیب شده‌اند.
۴. مفهوم‌ها و اصطلاح‌های مرکبی که از واژه‌های عربی و فارسی و بنا به قواعد دستور زبان فارسی ساخته شده‌اند.
۵. مفهوم و اصطلاح‌های عربی که تلفظشان فارسی است.
۶. مفهوم و اصطلاح‌های بسیط یا مرکب فارسی.
۷. مفهوم و اصطلاح‌های ترکیبی (این‌ها در این مقاله بررسی نخواهند شد).

۱. مفهوم و اصطلاح‌های بسیط عربی: این گروه از مفهوم و اصطلاح‌ها غالباً در همهٔ جامعه‌های اسلامی مشترکاً به کار گرفته می‌شوند و در زبان فارسی نیز این کلمات استعمال می‌شوند. مثال: اذان (ezan)، اله (ilah)، دعا (dua)، سنت (sunnet)، فرض (farz)، واجب (vacip).

۲. مفهوم‌ها و اصطلاح‌های مرکب عربی که بنا به قواعد دستوری عربی تشکیل شده‌اند. مثال: دارالحراب (darulharb)، دارالکفر (darulkufur)، کعبه الله (kabetullah)، کلام الله (kelamullah).

۳. مفهوم‌ها و اصطلاح‌های مرکب عربی که بنا به قواعد دستوری فارسی ترکیب شده‌اند. تعداد این گروه از مفهوم‌ها و اصطلاح‌های دینی در ترکیبی خیلی زیاد است. مثال: آل عبا (al-iaba)، آل عمران (al-iimran)، آیت کسریمه (ayet-ikerime)، احکام دین (ahkam-i din)، ادای دین (eda-yi deyn)، ادله شرعی (edille-i ser'iyeh)، ارادهٔ جزئی (irade-i cuz'i)، ارادهٔ کلی (irade-i kulli)، ارض مقدس (arz-i mukaddes)، اسقاط صوم (iskat-i savm)، اسماء حسنی (esma-i husna)، اصحاب حدود (ashab-i uhdud)، اصحاب کرام (ashab-i kiram)، اصحاب کهف (ashab-i kehf)، اصول... (usul-i...)، اصول دین (usul-i din)، افعال حسنه (efal-i hasene)، اهل بدعت (ehl-i bidat)، اهل بیت (ehl-i beyt)، اهل حدیث (ehl-i hadis)، اهل سنت (ehl-i sunnet)، اهل کتاب

(ehl-i kitap)، اولاد رسول (evlad-i resul)، باب فتوا (bab-i fetva)، بعثت نبویه (biset-i nebeviye)، بیت عتیق (beyt-i atik)، تعدیل ارکان (tadil-i erkan)، حافظ قرآن (hafez-i kuran)، حدیث قدسی (hadis-i kudsi)، حدیث نبوی (hadis-i nebevi)، حضرت رسول (hazret-i resul)، حضرت علی (hazret-i ali)، حیلۀ شرعیہ (hile-i seriye)، خبر مشهور (haber-i meshur)، دار بقا (dar-i beka)، دار فانی (dar-i fani)، رجال حدیث (rical-i hadis)، رضای الاهی (riza-yi ilahi)، سوء اخلاق (su-i ahlak)، سورۀ... (sure-i...)، سورۀ اخلاص (sure-i ihlas)، صراط مستقیم (sirat-i mustakim)، عارف بالله (arif-i billah)، عالم ارواح (alem-i ervah)، عالم امر (alem-i emr)، عالم جبروت (alem-i ceberut)، عالم خلق (alem-i halk)، عالم شهادت (alem-i shadet)، عالم غیب (alem-i gayb)، عالم ملکوت (alem-i melekut)، عمل صالح (amel-i salih)، عهد جدید (ahd-i cedit)، عهد عتیق (ahd-i atik)، عوائد وقف (avaid-i vakf)، قرض حسن (karz-i hasen)، لیلة قدر (leyle-i kadr)، مؤلفۀ قلوب (muellafe-i kulub)، مسجد جامع (mescid-i cami)، مسجد نبوی (mescid-i nebevi)، مناقب اولیا (menakib-i evliya)، نفس... (nefs-i...)، نفس اماره (nefs-i emmare)، وحدت وجود (vahdet-i vucud)، کتب سته (kutub-i sitte)، کلمۀ توحید (kelime-i tevhid).

۴. مفهوم‌ها و اصطلاح‌های مرکبی که از واژه‌های عربی و فارسی و بنا به قواعد دستوری زبان فارسی ساخته شده‌اند. تعداد این کلمات هم زیاد است. مثال: آب حیاط (ab-i hayat)، بزم الست (bezm-i elest)، جلوة ربانیہ (cilve-i rabbaniyye)، جناب الله (cenab-i allah)، جناب حق (cenab-i hak)، جناب رسول (cenab-i resul)، چرخ فلک (carkifelek)، خدای لم یزل (huda-yi lemyezel)، دیندار (dindar)، طرفگیر (tarafgir)، عدالتنامه (adaletname)، عهدنامه (ahitname)، فاتحه خوان (fatihahan)، فتواپناه (fetvapenah)، معراج‌نامه (miracname)، مولیدخوان (mevlidhan)، نظر بر قدم (nazar ber kadem).

۵. مفهوم‌ها و اصطلاح‌های عربی که تلفظشان فارسی است. در زمینه دینی تعداد کلمات این گروه زیاد نیست، ولی در زمینه‌های دیگر مثال‌های زیادی وجود دارد. مثال برای واژه‌های دینی: عالم (alem)، اثر (eser)، توبه (tovbe)، رمضان (ramazan)، رضا (riza).

۶. مفهوم و اصطلاح‌های بسیط یا مرکب فارسی. بعضی از این واژه‌ها در زبان فارسی مستعمل نیستند، ولی ریشه‌شان فارسی است. در زمینه دینی و غیردینی تعداد این واژه‌ها زیاد است. مثال: آبدست (وضو: abdest)، آستانه (asitane)، آیینۀ خدا (ayine-i ayine).

(put)، اروچ (تلفظ ترکی روزه: oruc)، باده (bade)، پت (تلفظ ترکی بت) (put)، پت پرست (بت پرست: putperest)، پست (مقام و جایگاه: post)، پیر (بزرگ طریقت: pir)، پیغامبر (peygamber)، تراش (tiras)، تکه (tekke)، جلوه گاه (cilvegah)، چاریار (چهار خلیفه اول: caryar)، چارمیخ (carmih)، چله کش (cilekes)، چله (cile)، چلیپا (celipa)، خدمت (hizmet)، خسته (hasta)، درست (راستکار: durust)، درگاه (dergah)، درویش (dervis)، درویش مشرب (dervis mesrep)، دم (dem)، دوست (dost)، رند (rint)، زور (مشکل: zor)، سربست (آزاد: serbest)، سرخوش (مست: serhos, sarhos)، گناه (gunah)، نانکور (nankor)، نماز (namaz)، نیاز (niyaz)، کمبت (kumbet)، یزدان (yezdan).

نتیجه

موارد یاد شده، اصطلاح‌ها و مفاهیمی هستند که امروز هم در ترکی استانبولی استعمال می‌شوند. در زمینه‌های دیگر هم کلمات زیادی از زبان فارسی وارد زبان ترکی شده‌اند و این موضوع نشان می‌دهد که تأثیر فارسی در ترکی خیلی ریشه‌دار است و مردم ایران و ترکیه وارث یک فرهنگ بزرگ مشترک هستند.

کتابنامه

- Mehmet Dogan, *Büyük Türkçe Sözlük*, 2 ed., Ankara, 2001.
- Hasan Akay, *Islami Terimler Sözlüğü*, Istanbul, 1991.
- Semseddin Sami, *Kamusu'l-A'lâm*, 6 volume, facsimile, Ankara, 1996.
- Mehmet Kanar, *Farsca-Türkçe Sözlük*, Istanbul, 2000.